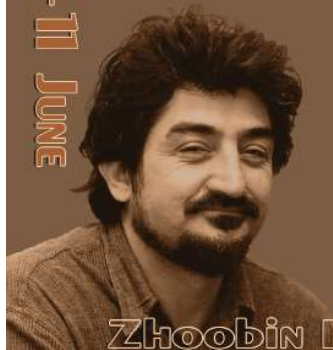


MANSOOR HEKMAT WEEK 2024

4-11 JUNE

در بزرگداشت زندگی پر بار

منصور حکمت



هفته منصور حکمت ۱۶-۲۱ خرداد

Zhoobin RAZANI (1971-2002)

برنامه های هفته حکمت

صفحه ۲

طبقه کارگر در مقابله با «آیین نامه انضباطی کار در ایران»

مصطفی اسدیپور صفحه ۴

سوء استفاده از اعتبار کارگر هفت تپه ممنوع!

خالد حاج محمدی

مرگ رئیسی و همراهان او، از جانب جمهوری اسلامی به مناسبتی برای اجرای وسیعترین برنامه های مرثیه خوانی و پوشاندن جامه مرگ و مرده پرستی و عزا بر جامعه، فرصتی برای تحریکات عقب مانده مذهبی، فضای خلسه و شیون و زاری و «شهید و شهید پروری» تبدیل شد. تلاش کردند از رئیسی و همراهان او شخصیت های «آسمانی، مقدس و بی عیب و نقص، عاشق محرومان و...» بسازند و آنها را به «عرش اعلا» ببرند. رئیس جمهور مملتی که سالانه دهها میلیون انسان از هزاران مرکز کارگری، در دانشگاه و مدرسه، بیمارستان و صف بازنشسته، از محلات تا میادین شهرها و ... در اشکال مختلف علیه فقر و بی حقوقی، استثمار و گرانی، زن ستیزی و کوء آزاری، استبداد و زندان و اعدام و جنایت، علیه دزدی و فساد و عیش و نوش حاکمین، اعتراض میکنند. ... صفحه ۳

از آشویتس تا رفح

اطلاعیه حزب حکمتیست (خط رسمی)

حزب کمونیست کارگری - حکمتیست (خط رسمی)

hekmatist.com

حکمتیست هفتگی ۵۱۳

۳۰ مه ۲۰۲۳ - ۱۰ خرداد ۱۴۰۳

شانس رئیسی

مصطفی اسدیپور

یک هفته پس از واقعه، ابراهیم رئیسی هنوز صفحه اول روزنامه ها را بخود اختصاص میدهد. او دست بردار نیست. جالب اینجاست که صفحات اقتصادی رسانه ها دست از سر او بر نمیدارند. ادعا میشود که در دولت او سطح بیکاری به رکورد تک رقمی ۸ درصد کاهش یافته است. اما چگونه؟ در کدام صنایع و کدام رشته ای تولیدی؟ کمتر کسی آنرا بخاطر میاورد. اما بدون تردید رئیسی منشاء دور تازه حمله به طبقه کارگر بود. او و دولت او آرزوی دیرینه بورژوازی ایران در زمینه بازنشستگی را تحقق بخشید و بعلاوه افتخار نخستین دولت در اعمال دستمزد زیر خط فقر در شرایط غیر جنگی را بخود اختصاص داد. اما رئیسی در عرض سه سال بیش از هر فرد و هر دولتی موتور محرک اختیارات بلامانع کارفرما در اخراج کارگران، مبتکر بهره برداری از بیکاران در طرح های «کاربابی»، کاهش یک چهارم از صف برخورداری از بیمه بیکاری فکسنسی جاری بود و راه بیکاری کارگران را فراهم ساخت.

او «حرامزاده» در صفوف بورژوازی ایران در حمله به طبقه کارگر است. در جمهور او کارگر در ایران حق تشکل نداشت، حق اعتراض نداشت، نیمه ریاست او اعضای سندیکای شرکت واحد از دسترسی به دارو و درمان و مرخصی محروم ماندند. بی جهت نبود که بورژوازی ایران بهوقع او را مجددا (بار اول در ریاست دادگاه های مرگ، بار دوم در سر و سامان بهره کشی و استثمار) کشف کرد و در پاستور جا داد. او نیز بهوقع - در زمان بیشترین ضرر و آسیب ممکن علیه کارگر و زحمتکش جامعه - مرد. میراث او فقط انبوهی ارقام و اعداد بی ربط و بی پایه نیست. میراث او صفی از بورژوازی هر چه خود آگاه، گستاخ و طلبکار است که منافع مشترک خود علیه کارگران را بخوبی میشناسد و از آن بهره میبرد. پلاتفرم پر سر و صدای دولت رئیسی «ایجاد» دست کم یک میلیون شغل در سال بود. از این پلاتفرم چیزی جز زخم های تازه بر پیکر توده کارگر و زحمتکش پیدا نیست. هسته اصلی پدیده ابراهیم رئیسی در چند و چون وعده ها و چگونگی تحقق وعده هایش نبود. کسی چنین انتظاری نداشت. دولت سیزدهم همان جنگی را علیه طبقه کارگر در پیش داشت که دولت قبلی نیمه کاره به ارث گذاشته بود. ابراهیم رئیسی در پایان عقبه جمهورها در ایران ناجی و صاحب نقشه، مبتکر ایده های ناشناخته برای بهبود چیزی نبود.

اما او شانس آن را داشت که بعنوان یکی از مهندسین گسترش فقر و بیکاری، بدون محاکمه در دادگاه طبقه کارگر ایران و مردم آزادیخواه گورش را گم کند.

آزادی برابری حکومت کارگری

برنامه های هفته حکمت

انگلیس، لندن

کاپیتالیسم و جهان پسا جنگ سرد، پاسخ حکمت به معضلات جهانی، منطقه ای و محلی آن

سخنران: ثریا شهابی

منصور حکمت و مسئله قدرت سیاسی

سخنران: محسن کریم

تاریخ: شنبه ۸ ژوئن ۲۰۲۴

ساعت: ۲ بعد از ظهر

مکان:

St Mary's Community Centre
Upper Street, N1 2TX

آلمان، کلن

مارکسیسم و جهان امروز

سخنران: خالد حاج محمدی

دیدگاه منصور حکمت درباره دموکراسی

سخنران: عرفان کریم

جنگ حزب دمکرات و کومهله - مسئله هژمونی و جنبش

سخنران: محمد راستی

تشکل های توده ای طبقه کارگر

سخنران: آسو سهامی

تاریخ: شنبه ۱۵ ژوئن ۲۰۲۴

ساعت: ۵ بعد از ظهر

مکان:

Alter Feuerwache
Melchiorstraße 3
Köln 50670

سوئد، گوتنبرگ

امنصور حکمت و بررسی عروج و سقوط دموکراسی

سخنران: امان کفا

منصور حکمت (کمونیسم کارگری و فعالیت حزب در کردستان)

سخنران: وریا نقشبندی

تلفن تماس: سیوان رضایی ۰۷۳۹۲۴۱۳۸۳

به ایرانیان آزادیخواه! در حمایت از مردم فلسطین!

در ادامه نسل کشی و قتل عام مردم غزه توسط دولت اسرائیل این بار ارتش اسرائیل جنایت دیگری آفرید. حمله دولت فاشیست اسرائیل به جنوب نوار غزه و بمباران اردوگاه آوارگان فلسطینی در رفح، این جغرافیا را به کوره آدم سوزی تبدیل کرد که در آن دهها انسان غیر نظامی و بی پناه از جمله کودکان زنده زنده در آتش سوختند. این حمله در شرایطی صورت گرفت که بیش از هشت ماه گذشته دولت اسرائیل به کمک بمب افکن و تجهیزات کامل نظامی اروپا و آمریکا، نوار غزه را به گورستان مردم فلسطین تبدیل کرده است. دولت فاشیست اسرائیل پس از آواره کردن بیش از دو میلیون نفر و محبوس کردن آنان در اردوگاهها در رفح، در ۲۶ مه با بمباران چادرهای مردم بیگناه، رفح را به قتلگاه آنان تبدیل کرد.

این جنایت، این لجام گسیختگی مطلق فاشیستهای حاکم در اسرائیل و این درجه از حمایت بیشمارانه دول غربی از این نسل کشی، بار دیگر جهان و مردم آزادیخواه را با شوک و بهت عظیمی روبرو کرد. دیدن صحنه های دلخراش سوختن کودکان بیگناه و نابودی آخرین سرپناه مردم بی دفاع فلسطین نه فقط بهت که خشم و نفرت صدها میلیون انسان در سرتاسر جهان را دامن زد.

بشریت متمدن از خاورمیانه تا اروپا و آمریکا به تقابل با این نسل کشی، توحش، بیشرمی و جنایات افسارگسیخته به خیابانها آمده اند. مردم خشمگین و انسان دوستی که در همبستگی با مردم غزه علیه کشتار و پاکسازی نسلی از انسانها، علیه توحش، وقاحت و بیشرمی سران فاشیست اسرائیل و دول جنایتکار غربی، شهرها را به تسخیر خود در آوردند. از پاریس و لندن تا مکزیکو و سانتیاگو، از برلین و رم و بارسلونا تا واشنگتن و صدها شهر بزرگ و کوچک جهان، زمین زیر پای صهیونیستها، فاشیستها و حامیان آنها به لرزه در آمده است.

ایرانیان آزادیخواه!

امروز تقابل سیاست ارتجاعی و ضد بشری ارتجاع جهانی با زندگی انسانی، امنیت و صلح در جریان است. امروز مبارزه بشریت با بربریت، مقابله انسانیت با وحشیگری قدرت ها در جریان است. امروز کشیدن لگام جنایتکاران قرن و مهار کردن مسئولین و مسببین این توحش و نسل کشی در دستور بشریت متمدن قرار گرفته است. تشکیلات خارج کشور حزب حکمتیست (خط رسمی) شما مردم آزادیخواه و انسان دوست را به حضور هر چه وسیعتر در صف بشریت متمدن فرا میخواند! باید از تبدیل کردن غزه به کوره آدم سوزی و آدمکشی به ابعاد یک کشور را گرفت.

باید در کنار میلیونها انسان آزادیخواه و انسان دوست در سرتاسر جهان اعلام کرد پایان دادن به این توحش، ممکن کردن آزادی مردم فلسطین کار ما و جنبش جهانی ما است نه کار دول و نیروهای ارتجاعی که جز سوء استفاده از مصائب مردم فلسطین و بازی با زندگی آنان سیاست دیگری ندارند.

باید بعنوان بخشی از این جنبش جهانی با قدرت هر چه بیشتر در برابر سیاست فاشیستی دولت اسرائیل و دول غربی همدست اش برای ادامه قتل عام مردم فلسطین به میدان آمد. امروز چشم جهانیان به رفح دوخته شده و چشم مردم بیگناه فلسطین به ما بشریت متمدن و آزادیخواه. پایان دادن به این توحش و جنایات تنها با مبارزه و نیروی قدرتمند ما انسانها، بشریت متمدن، مدافعان راستین حقوق انسانی، طبقه کارگر جهانی و محرومین جامعه ممکن و میسر میشود.

تشکیلات خارج کشور حزب حکمتیست (خط رسمی)

۲۹ مه ۲۰۲۴

روسای حاکم از خامنه ای و بیت او تا رئیس جمهور، رئیس مجلس و قوه قضائیه، و طیف وسیعی از روسای وزارت اطلاعات و زندان و آخوند و وزرا و کلای آنها، برای میلیونها انسان کارکن، در صف دشمنان قسم خورده آنها، در صف قاتلین و جنایتکاران، در صف کلاشان سیاسی و قصابان و روسای جوخه های اعدام و... قرار دارند. برای این صف قطعا رئیسی یکی از آنها و به عنوان قصاب دهه ۶۰ و یکی از مهره های اصلی حاکمیت تا امروز پرونده ای قطور از جنایت علیه طبقه کارگر و خدمت به طبقه سرمایه دار دارد.

بی تردید آنچه جمهوری اسلامی انجام میدهد، بخشی همیشگی از پروپاگاندا آنها برای قدردانی از شخصیت های جنبش بورژوا اسلامی حاکم است، چیزی که در همه دولتهای بورژوازی و ضد کارگری چنین مناسکهایی را با خرج از جیب طبقه کارگر و مردم محروم انجام میدهد و خدمات آنها به طبقه حاکم و علیه پایین جامعه، جنایت و قضاوت و عظم راسخ آنها علیه طبقه کارگر، علیه آزادیخواهی و علیه کمونیسم را «گرامی» میدارند.

به مناسب مرگ رئیسی جمهوری اسلامی تلاش کرد به روال همیشگی، خدمات دولت و رئیس آنرا به طبقه بورژوا، به قیمت تباهی طبقه کارگر را به نام «خدمات» ریئسی به کارگران و مردم محروم به جامعه بفروشد. بی تردید این ترفندها خریداری ندارد و مایه تمسخر و جک مردم آزادیخواه است.

در این میان چند نفر نیز به نام کارگر و به اسم هفت تپه، با خودشیرینی مشمژ کننده برای دشمنان هفت تپه، در توصیف «خدمات» دولت رئیسی به طبقه کارگر و کارگران هفت تپه، در خدمت حاکمیت و دستگاه تحمیق آن قرار گرفتند. در نهایت بی شرمی دست به تحریف و جعل و بخشندگی از جیب و اعتبار کارگران هفت تپه در خدمت قصاب تهران و دستگاه و دولت ضد کارگری زدند. این رندی و بی شرمی قطعا نه تنها در میان کارگران هفت تپه مایه خنده و تمسخر و تنفر است، در جامعه نیز جز نفرت از کلاشی سیاسی و حقه بازی و دروغ پراکنی عوامل دستگاه تبلیغاتی جمهوری اسلامی، نتیجه ای نخواهد داشت.

کارگر هفت تپه مدیون هیچ مقام و مسئول و دولت و دستگاهی نیست! کارگران هفت تپه در همه دولتهای مختلف جمهوری اسلامی، علاوه بر فقر و استثمار، مرز زندان و شکنجه، تهدید و ارباب و استبداد و انواع دسیسه و توطئه ها برای ایجاد دشمنی و انشقاق در صفوف خود را از جمله در دولت رئیسی تجربه کرده و علیه آن جنگیده است و از حق خود دفاع کرده است. کارگر هفت تپه تاریخی قابل افتخار، قابل احترام و ستودنی از جسارت و هوشیاری و تلاش جمعی و انسانی برای کسب ابتدایی ترین حقوق خود و برای افشا دسیسه های شیادان ضد کارگر از اسدببگی تا همراهان و متحدین او در دولت و قوه قضائیه و مجلس و... پشت سر خود دارد. کارگران هفت تپه با پرچمی انسانی برای حق زندگی، در اعتراض به بی حقوقی، به بردگی کارگران در این نظام، و اعتراض به خدایی سرمایه داران و اسد بپگی ها در نظام کاپیتالیستی حاکم با روسا و خادمین آن چون خامنه ای ها، رفسنجانی ها، خامنی و احمدی نژاد و روحانی و رئیسی ها، به میدان آمدند و پیروز شدند. کارگران هفت تپه در مقابل این توحش ایستادند و پوزه اسدببگی و همراهان او را به خاک مالیدند و دست حامیان او را در بالاترین رده های حاکمیت جمهوری اسلامی باز کردند. کارگران هفته تپه نشان دادند اگر طبقه کارگر همت کند و اگر متحد پشت همدیگر را به عنوان اعضا یک خانواده کارگری بگیرند، میتوانند قسم خورده ترن دولتهای ضد کارگر و دشمنان بی توهیم خود را وادار به تسلیم کنند. افسار کردن اسدببگی، شکست یک شخص نبود، شکست یک طبقه در حاکمیت با دولت و مجلس و قوه قضائیه آن در مقابل ۵ هزار کارگر در یک مرکز کارگری به نام هفت تپه بود. ۵ هزار کارگری که اراده کردند از حرمت خود، از انسان بودن خود، از حق و حقوق خود به عنوان صاحبان واقعی جامعه در مقابل دزدان و قمه کشان طبقه سرمایه دار دفاع کنند. کارگران هفت تپه همراه کارگران

فولاد اهواز، همراه کارگران هیکو و آذر آب و... در کنار هم و به عنوان حامیان هم ایستادند و از همدیگر دفاع کردند. هفت تپه اسرای خود را از چنگ ارتجاع حاکم از زندان بیرون آورد، تهدیدهای حاکم به ربودن و ترور و کشتن و سر به نیست کردن را پس زد و سربلند به عنوان پرچمدار انسانیت، در میان دهها میلیون کارگر در ایران و حتی در منطقه الگوی اتحاد و ایستادگی و الگوی مقاومت و انسانیت شد.

کارگر هفت تپه بدهکار کسی نیست! و سو استفاده از اعتبار هفت تپه در خدمت دشمنان طبقه کارگر، ممنوع است، جرم است! هفت تپه چندین سال در راس یک جدال بزرگ به وسعت جامعه ایران علیه نظام استثمارگر و در دفاع از حرمت و کرامت انسانی طبقه کارگر ایران بود. کسی حق منت گزاری بر کارگر هفت تپه را ندارند و رجزخوانی چند نفر فریب خورده که برای لقمه نانی به سرباز جبهه اسدببگی نقل مکان کرده اند، مویی از حقانیت هفت تپه و مبارزه متحد کارگر آن کم نمیکند. بگذار طبقه بورژوا و حکومتش مرگ روسای خود را با روضه خوانی و مناجات و خرافات گرامی بدارند. ما کارگران هم تلاش انسانی خود، همبستگی طبقاتی خود در مقابل آنها، پیروزی خود در جدال با جلالان در حاکمیت را گرامی میداریم. ما دستاوردهای طبقه خود از جمله در هفت تپه را گرامی میداریم، ما فدکاری ها و از خودگذشتگی های نمایندگان و سخنگویان و رهبران خود را در یک جدال تاریخی فراموش نمیکیم .

از کارگران هفت تپه پنهان نیست، که در آن دوره مستقل از اعتصابات شکوهمند، تجمعات وسیع، با هم مشورت کردند، جلسات وسیع کارگری و مجامع عمومی ها، سخنرانی ها، ابراز نظرها، امکانی داد که صف خود را متحد نگه دارند. امکانی داد تا توطئه ها و ترفندهای حاکمیت و کارفرما و عواملش از اسدببگی تا شورای اسلامی را خنثی و درب شورای اسلامی را گِل بگیرند. کارگران به این آگاهند که جدال ما پایان نیافته است، فقر و بیکاری وسیع در منطقه و در کل ایران بیداد میکند، تلاش کارفرما و دولت برای انشقاق و ایجاد دشمنی و خصوصت در هفت تپه ای که خار در چشمشان است، امری دائمی است. تقسیم بندی کارگران این مرکز بر اساس ملیت و تحریکات عقب مانده قومی، مذهبی، بحث کارگر بومی و غیر بومی و هزار معضل دیگر ابزار شکست ما و تفنگ کارفرما و دولت و مراکز جاسوسی آنها علیه اتحاد کارگران است. حفظ یکپارچگی و اتحاد به کار مستمر و دائمی احتیاج دارد و به تجمعات و مشورت و تبادل نظرهای دائمی که ظرف آن مجامع عمومی منظم است، مستقل از اینکه در حال اعتصاب باشید یا نباشید. اگر چنین کاری را بطور جدی پیش نبریم امکان برای مسموم کردن فضا از جانب مرتجعین و با تحریکات کارفرما و عواملش فراهم میشود و چون موربانه ریشه همبستگی و همسروشتی را خشک خواهند کرد. کارگر هفت تپه تجربه عظیم و گرانبهایی در این زمینه دارد و نباید قدرت و توان و امکان دشمنانش و خطر تحریک و به حرکت در آوردن عوامل حکومت علیه اتحاد کارگری در هفت تپه را دست کم بگیرد.

کارگران کمونیست!

**حزب ما، سنگر اتحاد و
تشکل حزبی شما است.**

حزب را از آن خود کنید!

طبقه کارگر در مقابله با «آیین نامه انضباطی کار در ایران»

مصطفی اسدیپور

مشخصات یک کارگر از اعضای طبقه کارگر در ایران را از زوایای مختلف میتوان ترسیم کرد. در هر جامعه و در هر مقطع زمانی کدها و رفتارها و شاخص‌هایی وجود دارند که کمابیش توصیفی از شخصیت کارگر را بدست میدهند. «آیین نامه انضباطی کار» از آن اسنادی است نمیتوان نادیده گرفت. این آیین نامه ناظر بر قواعد و مناسباتی است که کارفرماها کار از کارگران میکشند. مقررات برای شناخت از کارگر ایرانی و بسیار بیش از آن برای شناخت از کارفرمای ایرانی تصویر گویا، یک آینه تمام قد است. «آیین نامه انضباطی کار» سند سراسری و واحد متعارف در محیط‌های کار و تولید عرصه‌های زیر را در بر میگیرد:

تعهدات کارگران در مقابل کارفرما

اجرای شخصی کار، رعایت دقت در انجام کار

مراعات امانت و اجرای دستورات کارفرما

بعلاوه ضوابط رسیدگی و مجازات تخلفات احتمالی

صاف و ساده یک کارگر در ایران، بزعم این سند یک کارگر «با تابعیت ایرانی، متدین به دین مبین اسلام و یا یکی از ادیان رسمی متعهد به نظام و قانون اساسی» است. در ادامه و به همان سادگی و بزبان آدمیزاد یک کارگر در ایران متعهد است که به «تحریک به برپایی یا شرکت در تحصن، اعتصاب، تظاهرات غیر قانونی و اعمال فشارهای گروهی برای مقاصد غیر قانونی در کارگاه» مرتکب نمیگردد. خنده دار است کارگر از نسل طبقه کارگر از نوع مسلمان که از پس هشت سال جنگ، پس از لشکر کشی به کردستان، حکومت یک دوجین از نوع رفسنجانی و انواع بحران و کلاشی و فساد جان سالم بدر باشد؛ کارگری که بیکار سازیهای میلیونی، سابقه دستمزدهای معوقه و زیر خط فقر جزو تنها ۵ درصد نیکبختی شمول قانون کار سوپر ارتجاعی پشت سر دارد؛ و هنوز وفادار به نظام و قانون اساسی پشت درب کارخانه صف ببندد؛ این موجود، کارگر سرزمین موعود حکومت اسلامی سرمایه است که تازه جان میدهد در عضویت خانه کارگر و شوراهای اسلامی یکی دو بار دیگر در تهرین تعهد به نظام و قانون اساسی پوست بپاندازد. کارفرمای کوتوله گفتار پیشه در سند مربوطه در نقش یک مرجع تقلید اسلامی، یک جاسوس و مفتش و در نقش یک آقا بالاسر یکجا ظاهر میشود. آیین نامه انضباطی با سر هم کردن موارد انضباطی مسخره حقوق مسلم کارگری را بعنوان جرم تلقی کرده و کارفرما را راسا در مقام مجازات قرار میدهد. یازده صفحه از مقررات، دویست بند و تبصره همانقدر که مسخره و قلدرانه؛ پرتاب بیشتر از آن در مقابل یک سر سوزن حق طلبی کارگر زیون است. کارفرمای فرضی ما رند است، مو از ماست میکشد، با این مقررات انضباطی دست پیش میگیرد. با نگاه سری به لیست تخلفات احتمالی مندرج در آیین نامه حاج و واج میانمید که کارخانه مربوطه دیگر چه آشغال‌دانی است؛ از خود میپرسید یک کارگر چگونه ممکن است در لابلای لیست اتهامات بتواند گلیم کار، گلیم حرمت و مهمتر از هر چیز گلیم دستمزدهای خود را بیرون بکشد؛ شاید خواننده این سطور باور نکنند، اما سند مورد بحث، لیست اتهامات سنگینی است که از پیش بر پیشانی کارگر تازه وارد نقش بسته است. این اتهامات ابدا از نوع «انضباط» نیستند. در صفحه «حوادث» روزنامه‌های یومیه جا نمیگیرند. کوچکترین نشانی از جرائم مذکور نه یک کارگر معمولی، نه تخلف احتمالی یک عنصر بد خلق و بی انضباط، بلکه پای خرابکاری عاقدانه، جاسوسی و دخالت شبکه‌های سازمان یافته گانگستری را پیمان میکشد. لیست موارد انضباطی معمول از طرف کارگران در محیط کار در ایران

به شرح زیر است. این تصویر کارفرما است.
کم کاری و سهل انگاری و تسامح و ایراد خسارت،
تهمت و افترا و هتک حیثیت،
اعمال و رفتار خلاف شئون شغلی و اداری،
ایجاد نارضایتی در ارباب رجوع،
سوء استفاده از مقام و رشوه خواری،
معدوم کردن محمولات پستی،
استراق سمع غیر مجاز؛

و این لیست هنوز در ادامه خواندنی تر است!

استعمال دخانیات در محل‌های ممنوع

استعمال مواد مخدر و مشروبات الکلی

اختفا، نگهداری، حمل، توزیع و فروش مواد مخدر و مشروبات الکلی و ...

اینجا دیگر، گند قضیه بیش از حد بالا میگیرد، سند دیگر راه در رو در مقابل خود ندارد، باید به یک سوال جواب دهد: آخر چه کسی میتواند در یک کارخانه به جرایم ذکر شده مشغول باشد؟ جواب از قبل روشن است. بینگو!

- محاربین و کافران!

آیین نامه در اینمورد کاملا صریح است. تمامی لیست فوق برای ممنوعیت دو دسته از کارگران متقاضی شغل سر هم شده است:

۱- عضویت در سازمان‌هایی که مرام نامه مبتنی بر نفی ادیان الهی است

۲- عضویت در گروه‌های محارب یا فعالیت به نفع آنها

مابقی روده درازی مندرج در آیین نامه، شخص کارفرما و مرکز تولیدی را به شعبه کمیته امنیتی، جاسوسی و پیگیری، پرونده سازی و تنبیه مقدماتی قبل از واگذاری پرونده به زندان اوین تبدیل میکند. در این پروسه کارفرما پلیس و بازجو است، سند و بایگانی دارد، دادستان و قاضی است. این سند در باب مجازات کافر و محاربه تنظیم شده است و کارفرما و منافع او در همین چهارچوب مبتنی بر انتقام و کینه جویی مقرر شده است. اطلاق «آیین نامه انضباطی» به این سند مطلقا بی مورد است. این سند بخشی از اسناد راهبردی امنیت ملی است، ضرب و زور این سند را در لشکر کشی گروه ضربت به اعتصاب شوش نیشکری‌ها؛ افسار گسیخته نماینده دادستانی از تهران در حکم و اجرای شلاق معدنچیان آق‌دره، در جنگ و گریز چماقداران گروه ضربت علیه آذرب، در جنون و قساوت زندانبان اوین علیه زندانیان شرکت واحد و در کینه دستگاه قضایی علیه فرزانه ژیلایی تنها به خاطر تعهد به شرافت شغل و کالت، میتوان مشاهده کرد.

در این میان اگر آیین نامه انضباطی محلی از اعتنا دارد و ارباب میافریند بخاطر «اخراج» است و دستمزد کارگر را به گرو میگیرد. از این زاویه است که آفتابه لگن «انضباط» بهم میریزد. خدایگان نظم و تولید، پدران «صنعت و تولید»، سکانداران «رشد اقتصادی»، فرشتگان «نان آور» و دم و دستگاه سرگردنه قانون و نظم ... همه و همه به یکباره با یک پُف بر باد میروند. این آیین نامه رویای بزرگ بورژوازی ایران را در خلسه آسمان هفتم به تصویر میکشد. سی چهل سال است برایش سرکوب میکنند، قانون میاورند و قانون میبرند تا کارفرما «خد» برای کارگر شود، بهانه بگیرد، با دستمزد کارگر بازی در بیاورد، پاپوش بدوزد، جریمه و تلکه کند و مهمتر از هر چیز هر وقت خواست اخراج کند. این سند در مورد حق کارگر در مقابله با رایج ترین تخلفات (جرایم) کارفرما در محیط کار بچشم نمیخورد. تعویق پرداخت دستمزد از یک ماه تا چند سال، تهمت و بد رفتاری، پرونده سازی، پایمال ساده ترین حقوق کارگری در همان سطح نازل قانون کار که لیست طولانی را شامل میگردد. صفحه ۵

هفته منصور حکمت در بزرگداشت دست آوردهای یک زندگی پربار

کوروش مدرسی

سال گذشته دفتر سیاسی حزب کمونیست کارگری ایران هفته ای که تولد منصور حکمت (۴ ژوئن - ۱۵ خرداد) در آن قرار میگردد را هفته منصور حکمت اعلام کرد. این هفته قرار است هفته بزرگداشت دست آوردهای زندگی کوتاه اما بسیار پربار منصور حکمت باشد. منصور حکمت را باید معرفی کرد، منصور حکمت را باید خواند، منصور حکمت را باید فهمید و منصور حکمت را باید شناخت و شناساند همانطور که با مارکس رفتار میکنیم. روشن است که این کاری نیست که در یک هفته قابل انجام باشد. برای ما، کسانی که خود را متعلق به سنت تئوریک، سیاسی و اجتماعی او میدانیم تعلق به این سنت چیزی جز تلاش دائم برای تغییر دنیا برای آزادی و برابری قطعی بشریت، یا آطور که او گفت، برای بازگرداندن اختیار به انسان نیست. این یک تلاش و یک جدال دائم است و شناساندن منصور حکمت بخش لایتنجری این تلاش است. اما هفته منصور حکمت این امکان را بوجود می آورد که یک فعالیت متمرکز برای معرفی منصور حکمت را دامن بزنیم.

هفته منصور حکمت تنها جلسات بزرگداشت نیست. هفته منصور حکمت یک آکسیون سیاسی، به معنای متعارف آن هم نیست. هفته ای است که طی آن مجموعه ای وسیع از فعالیت و ابتکار برای شناساندن منصور حکمت و ارج نهادن به دست آوردهای زندگی او در همه عرصه ها را شامل میشود. هفته منصور حکمت در سالروز تولد او تلاشی است برای حرکت در آودن جامعه در ابعاد کلان برای بزرگداشت زندگی این انسان ترین متفکر عصر ما.

اگر جمهوری اسلامی نبود هفته منصور حکمت، هفته سمینارهای تئوریک، هفته جلسات سیاسی، نمایشگاههای کتاب، هفته انواع مختلف فعالیت های فکری و فرهنگی در ابعاد جامعه ایران بود. فعالیت هایی که نه تنها جایگاه منصور حکمت را در تفکر معاصر باز میکرد و امکان میداد تا در ابعاد وسیع انسانهای دیگر بتوانند این رگه فکری را بشناسند و به آن پیوندند بلکه هفته متمرکزی از فعالیت فکری، هنری و فرهنگی حول مسائل جدید و قدیم جامعه را بوجود می آورد. امکانی را فراهم می آورد که مارکسیست های ما بتوانند حول این خط و سنت فکری به مسائل جدیدی که در مقابل آنهاست به پردازند. جمهوری اسلامی امروز این کار را ناممکن کرده است. اما جمهوری اسلامی به همت انقلاب مردم ایران و به یمن نقشی که تا هم اکنون منصور حکمت در سیاسی ایران و در دادن

هویت انسانی به این انقلاب داشته است رفتنی است. در همان حال فلسفه ما، فلسفه مارکس، کمونیسم و منصور حکمت، تن ندادن به دنیای موجود زیر هر توجیهی بوده است. هفته منصور حکمت هفته ای است که بیش از هر موقعیت دیگری باید رنگ این عدم تمکین به وضع موجود را منعکس کند. وجود جمهوری اسلامی در ایران دست ما را بسته است اما بلند پروازی ما و ابتکار مایجای خود باقی است و با اتکا به همین بلند پروازی و ابتکار باید از امروز سنت هفته منصور حکمت را پایه ریزی کنیم.

هفته منصور حکمت تنها متعلق به حزب کمونیست کارگری ایران نیست. و محدود به ایران هم نیست. منصور حکمت متعلق به جنبش کمونیسم کارگری و از آن وسیعتر متعلق به انسانیت آزادخواه و برابری طلب است. هفته منصور حکمت متعلق به هر انسان، هر جریان، هر سازمان و هر نهادی است که خود را در آرمان منصور حکمت، در دنیای بهتر او، شریک میدانند.

هیچ چیز مانع از آن نیست که در این هفته در ایران و در خارج کشور اعضا و دوستان حزب و دوستان منصور حکمت، هر نهاد، سازمان و جریانی هر کسی که خود را متعلق به سنت او میدانند و دست آوردهای او را ارج مینهد به این حرکت پیوندند. کاری را در دستور خود بگذارند. میشود جلسات یا سمینارهای ویژه گرفت، میشود اعضای حزب هر جا که هستند در ایران یا در خارج، در خانه های حزب یا اجتماعات ممکن دیگر در ایران یکی از نوشته های او را به بحث بگذارند. حتی اگر یک نفر هم هستید میشود عده ای دیگر را جمع کنید منصور حکمت را معرفی کنید، نوشته ای از او را به بحث بگذارید. میشود در رابطه با انتشار آثار او کمک ویژه ای کرد، میشود میز کتاب های ویژه گذاشت، میشود به انتشار نوشته های او کمک کرد، میشود برای بنیاد منصور حکمت کاری کرد، میشود جزوه کتاب یا نوشته ای از او را بازتکثیر کرد و به دست دیگران رساند. میشود در مورد ایده های او در مورد مسئله پناهندگان، در مورد رهایی زنان، در مورد انسان، در مورد کودک، در مورد سیاست، فلسفه، اقتصاد، در مورد سوسیالیسم، در مورد هر چیز دیگری را معرفی کرد، خواند و به بحث گذاشت و کسان دیگری را به او جلب کرد. میشود در سطح بین المللی او را معرفی کرد. میشود پوستر او را پخش کرد، میشود نوارهای او را تکثیر و توزیع کرد. میشود هزار کار کرد. هر برنامه ای که دارید، هر کاری که میکنید را به اطلاع ما برسانید. مهم این است که ما این هفته را هفته منصور حکمت کنیم. دنیا باید او را بشناسد. باید از امروز سنت این هفته را بگذاریم.

باز انتشار توسط حکمتیست هفتگی

تاریخ انتشار مطلب: ۱۵ آوریل ۲۰۰۴

طبقه کارگر در مقابله با...

هم سرنوشتی کارگران پایه های «نظم» در محیطهای کار را شکل میدهد.

«آیین نامه انضباطی کار» در ایران را باید شاخص مهم از طبقه کارگر در ایران به حساب آورد که چگونه گلیم خود را از گل و لای و جهنم حکومت سرمایه بیرون میکشد.

شاید هنوز باید به یک سوال جواب داد. تکلیف آیین نامه انضباطی از طرف کارگران چه میشود؟ آیین نامه نظم کارگری بر پایه یک اصل اساسی و ساده استوار است: مجمع عمومی تنها مرجع رسیدگی به تخلفات و شکایات است و تنها اصل آن: ممنوعیت اخراج کارگران!

لینک آیین نامه انضباطی کار در اینترنت

<https://kartaban.com/blog/labor-laws/a-sample-of-work-discipline-regulations>

اما برآستی چگونه ممکن بود تصویر گویاتری از کارگران در ایران را بدون آیین نامه جانوران بورژوازی آن مملکت بدست داد؟ چگونه میشد حق طلبی و اتحاد، مبارزه جویی و دفاع از منافع مشترک و اعتصاب را با معیار موانع واقعی بیان کرد؟ این سند، و این انضباط مد نظر تا زمانی برو دارد که کارگر را در تنهایی در کنج کارگزینی به اسارت گرفته اند.

نظم برای بورژوازی و کارفرما بر اساس کار و بهره کشی بدون مرز، رقابت بین کارگران و ترس استوار است. برای طبقه حاکم این گرسنگی است که کارگر را به کار و میدارد. نظم در کارخانه بر اساس منافع مشترک، هم سرنوشتی، تعاون و علقه های رفاقت استوار است که هر ذره آن در آگاهی، بیداری و سازمان استوار است. در دنیای واقعی از همان گام های اول «دستمزد» و «اعتصاب» در جمع

از آشویتس تا رفح

یکشنبه شب ۲۶ مه اردوگاه آوارگان فلسطینی در رفح به کوره های آدمسوزی فاشیسم هیتلری در آشویتس تبدیل شد. هزاران نفر زن و مرد، جوان و پیر و کودک با صدای انفجار مپ افکن ها چشم بر جهنمی که دولت فاشیست اسرائیل برایشان آفرید، گشودند. بیش از ۴۵ نفر مردم بیگناه و بی پناه در میان آتش و دود سوختند و دهها نفر دیگر زخمی شدند. تصاویر دلخراش این جنایت، از کودکی که سر از تنش جدا شده، زنان و مردانی که در میان گلوله و آتش در چادرها میسوزند، اجساد سوخته و تکه پاره شده مردمی که در این اردوگاهها به عنوان تنها امکان زنده ماندن پناه گرفته اند، قلب هر انسانی را به درد می آورد. این توحش، جهانی را به اعتراض کشاند و موجی از خشم و بغض و نفرت را علیه دولت صهیونیست اسرائیل، این فاشیسم قرن بیست و یک، را برانگیخت. در یک چشم به هم زدن دهها میلیون انسان در سراسر جهان علیه این توحش، این جنون و جنایت، به خیابانها آمدند و خواهان پایان دادن به این نسل کشی و توحش شدند. این جنایت و کشتار در شرایطی انجام میگردد که دانشجویان، به نمایندگی از جنبش جهانی آزادی مردم فلسطین، در دهها دانشگاه در سراسر جهان و خصوصا در کشورهای متحد اسرائیل، از آمریکا، انگلستان، فرانسه، آلمان، کانادا و...، کمپهای حمایت از مردم فلسطین و علیه نسل کشی اسرائیل را برپا کرده اند. اتحادیه های کارگری در بسیاری از کشورهای جهان اجتماعات مختلف علیه نسل کشی اسرائیل و علیه حمایت دولتهای غربی از اسرائیل، راه انداختند. خواست بایکوت اسرائیل، قطع هر نوع روابط سیاسی، اقتصادی و نظامی با این کشور، خواست اقدام عملی و فوری علیه جنایت اسرائیل و پایان این توحش بیش از هر زمانی در سراسر جهان طنین انداخته است.

حمله به اردوگاه آوارگان در رفح در شرایطی انجام میگردد که نه تنها مردم متمدن جهان، نه تنها سازمان ملل و نهادهای بین المللی، نه تنها دادگاه لاهه، که بعلاوه دولتهای غربی متحد و حامی اسرائیل زیر فشار مردم آزادیخواه و انساندوست، نسبت به چنین اقدامی هشدار داده بودند. دیوان بین المللی دادگستری، دادگاه لاهه، زیر فشار افکار عمومی، حکم توقف فوری حمله به رفح و بازگشایی گذرگاه آن بر روی کمکهای انسانی را صادر کرده و دادگاه کیفری بین المللی، برای حفظ اعتبار خود، مشغول صدور حکم بازداشت نتانیاهو و گالانت به جرم جنایت جنگی است. احکامی که اهمیت آن نه در قدرت اجرایی نداشته خود، که در اعلام رسمی پایان مصونیت سیاسی سران فاشیست دولت اسرائیل است. دولت فاشیست نتانیاهو- بن گویر که با بحران سیاسی- اجتماعی عمیقی در اسرائیل روبرو است، دولتی که زیر فشار جنبش جهانی آزادی مردم فلسطین بیش از هر زمانی منزوی شده است، از سر استیصال دست به هر جنایتی میزند. دولت فاشیست- صهیونیست اسرائیل که طی ۷۵ سال گذشته هیچگاه به هیچ قانون بین المللی و معاهده ای پایبند نبوده و بدلیل حمایت بی قید و شرط دولت آمریکا و متحدین آن مصونیت سیاسی داشته است امروز زیر فشار این جنبش عملا و رسما مصونیت سیاسی خود را از دست داده و در آخرین لحظات حیات خود در اوج توحش دست به کشتار و جنایت و راه انداختن کوره های آدمسوزی میزند. این درجه از جنایت و جنون دولت فاشیست اسرائیل، توحش و قساوت روسای این دولت را فقط در توحش هیتلر و گوبلز و جنایت فاشیسم هیتلری در راه اندازی اتاقهای گاز و کوره های آدمسوزی در آشویتس میتوان دید. امروز خواست محاکمه سران دولت اسرائیل، خواست محاکمه بخش بزرگی از روسای دولتهای غربی و احزاب در قدرت، از روسای دولت آمریکا و هر دو حزب دمکرات و جمهوری خواه و روسای دولت انگلستان و هر دو حزب محافظه کار و لیبر، تا روسای دولتهای آلمان و فرانسه و...، همراه و در کنار روسای دولت فاشیست اسرائیل در خیابانها بانگ زده میشود. مردم آزادیخواه در سراسر جهان به حق نه فقط نتانیاهو و سران دولت فاشیست اسرائیل که سران همه دولتها و احزاب حامی این فاشیسم که بدون حمایت بی قید و شرط آنان، بدون حمایت سیاسی و مالی آنان، بدون کمکهای تسلیحاتی آنان این نسل کشی ممکن نمیشد را شریک جنایات اسرائیل در نسل کشی مردم فلسطین میدانند. فشار جنبش انسانی و صلح طلب برای آزادی مردم فلسطین چنان گسترده است، که همه شرکای دولت اسرائیل را نگران کرده است. نگرانی از تعمیق شکاف میان مردم آزادیخواه با این دولتها در خود کشورهای غربی، نگرانی از نه کشیدن آخرین بقایای مشروعیت از دست رفته «جهان آزد» با تمام بنیادهای سیاسی و ایدئولوژیک آن؛ نگرانی از بی اعتباری کامل و تام و تمام ادعای دهان پر کن «نظم بین المللی مبتنی بر قوانین» و نهادهای حافظ این نظم و در یک کلام فروپاشی امپراطوری «دمکراسی غربی»، واقعیتی است که مسابقه محکومیت پوشالی این جنایت، اشک تمساح ریختن برای کودکان بیگناهی که شعله های آتش آنان را به کام خود فرو برد، را در میان حامیان دولت اسرائیل دامن زده است.

در دوره ای که از منظر بشریت متمدن و انساندوست، «جامعه جهانی» با تمام نهادهای آن بی اعتبار شده اند، در دوره ای که دیگر بازی های دیپلماتیک و قطعهنامه های بی خاصیت و محکوم کردن های پوچ دیگر کارایی خود را از دست داده اند، چنین بالماسکه تئوع آوری مبنی بر «محکوم میکنیم» و «باید از غیرنظامیان حراست کرد»، بدون یک اقدام عملی و فشار واقعی به اسرائیل، نفرت انگیز است. امروز مردم فلسطین حامی واقعی خود، تنها مخالفان جدی نسل کشی و جنایت و توحش دولت اسرائیل، تنها قدرتی که قادر به پایان دادن به این توحش و نسل کشی است را جنبش آزادی فلسطین و مردم صلح طلب و انساندوست جهان می شناسند. رهایی و آزادی مردم فلسطین از جهنمی که دولت فاشیست اسرائیل و متحدین آن برایشان ساخته اند نیازمند حضور قدرتمندتر این جنبش و حضور گسترده تر طبقه کارگر است.

حزب حکمتیست (خط رسمی)

۲۹ مه ۲۰۲۴ - ۹ خرداد ۱۴۰۳

پخش برنامه های نینا از کانال یک

برنامه های نینا هر سه شنبه راس ساعت ۵:۳۰ بعد
از ظهر به وقت تهران در شبکه تلویزیونی کانال
یک پخش می شود.

مشخصات ماهواره:

Yahsat w1A

12073 عمودی

Eutelsat W3A

۱۰۷۲۱ افقی

hekmatist.com

تماس با حزب

@Hekmatistx

دبیر خانه حزب

dabirxane@hekmatist.com

دبیر کمیته مرکزی: آذر مدرسی

azar.moda@gmail.com

دبیر کمیته رهبری: خالد حاج محمدی

khaled.hajmohamadi@gmail.com

تشکیلات خارج کشور حزب: آسو فتوحی

aso.fotuhi@gmail.com

دفتر کردستان حزب: محمد راستی

sahand.sabet@gmail.com

مسئول تبلیغات: فواد عبداللہی

fuaduk@gmail.com

حکمتیست هفتگی

سر دبیر: فواد عبداللہی